

## اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی (به عنوان مهم ترین پیش نیاز مهندسی مجدد فرهنگی)

اسماعیل دارایی<sup>۱</sup>  
زهره اسماعیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

جامعه اسلامی به دلیل اهمیت ارزشهای فرهنگ اسلامی، مراکز فرهنگی فراوانی را تأسیس کرده و نیروی انسانی و امکانات قابل توجهی را در اختیار آنان قرار داده است. با گذشت سه دهه از فعالیت این مؤسسات فرهنگی، به نظر می رسد که این مراکز به موفقیت چندانی در جهت رشد و تعالی فرهنگ اسلامی نایل نیامدند. یکی از دلایل اصلی این ناکامی ها، عدم توجه به اصول تربیت فرهنگی در مدیریت و برنامه ریزی های فرهنگی است که مطالعه و تبیین این اصول از اهداف این پژوهش است. در این مقاله که یک تحقیق بنیادی است، سعی شده با روش کتابخانه ای ضمن ارائه تعریفی جامع از فرهنگ، به مهم ترین اصول حاکم بر پرورش فرهنگی با تأکید بر منابع اسلامی و روان شناسی و سخنان مقام معظم رهبری پرداخته و به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که علت اصلی بازدهی کم عملکرد متولیان فرهنگی چیست؟ فرهنگ هر جامعه شامل سه جزء اصلی اعتقادات، عادات و رفتارهای حاکم بر آن جامعه و راه انتقال یا کسب آن نیز از طریق تعلیم و تربیت است. بنابراین، در پرورش و انتقال ابعاد و اجزای فرهنگ نیز باید اصول دهگانه حاکم بر تعلیم و تربیت در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: اصول، فرهنگ، فرهنگ اسلامی، تربیت، اصول تربیت، انتقال فرهنگی.

\* تاریخ دریافت: ۸۷/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۷/۰۵

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، آدرس: خیابان فاطمی غربی  
نرسیده به جمالزاده روبه روی کانون بازنشستگان نیروهای مسلح حوزه دانشجویی شهید بهشتی پلاک ۲۶۸  
نمابر: Email: esm.dar.gh@gmail.com/۶۶۵۶۸۸۴

۲. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار دانشگاه پیام نور/ Email: esmaeili.ir@yahoo.com

## مقدمه

در حال حاضر در کشور ما متولیان فرهنگی متفاوت و بسیاری وجود دارند که هدف اصلی همه آنها تعمیق و گسترش فرهنگ دین مبین اسلام و به عبارت دیگر، تربیت دینی جوانان و سایر اقشار جامعه است. به عنوان مثال می‌توان به مراکز ذیل اشاره کرد:

شورای انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تمام تشکیلات تابعه، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، صدا و سیما و سایر رسانه‌ها، سایتهای اینترنتی، سازمان تبلیغات اسلامی با تمام تشکیلات تابعه و مجموعه مبلغان، بسیج و پایگاههای مقاومت مساجد و وزارتخانه‌ها و مراکز اداری سراسر کشور، ائمه جمعه و ستاد اقامه نمازهای جمعه سراسر کشور، ستاد امور مساجد و ائمه جماعات سراسر کشور، ستاد اقامه نماز، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، دفاتر عقیدتی سیاسی در مراکز نظامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها با تمام تشکیلات تابعه، سازمان فرهنگی-هنری شهرداری‌ها، سازمان ملی جوانان، حوزه‌های علمیة سراسر کشور، مؤسسات آموزشی و دانشکده‌های دینی، بنیادها و مؤسسات پژوهشی دینی در سراسر کشور، آستان قدس رضوی و آستان مراقد امامزاده‌ها در سطح کشور، معاونت تربیتی وزارت آموزش و پرورش و معاونت فرهنگی سایر وزارتخانه‌ها و مراکز و مؤسسات دیگر، تشکلهای و بنیادهای مستقل مردمی نظیر هیأتها و مؤسسات خیریه، انجمنهای اسلامی موجود در دانشگاهها، سازمانها، وزارتخانه‌ها و مراکز دیگر، و دهها متولئی فرهنگی کوچک و بزرگ دیگر که جمعاً در این مراکز، میلیونها نفر نیرو به طور مستقیم مشغول به کار بوده و در هر سال، دهها هزار میلیارد تومان بودجه صرف فعالیتهای فرهنگی می‌شود. در درون دانشگاهها نیز غیر از مجموعه دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری همراه با ائمه جماعات دانشکده‌ها و خوابگاهها؛ معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاهها، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، بسیج دانشجویی، کارکنان و استادان دانشگاهها، انجمن اسلامی دانشکده‌ها، کانونهای قرآنی و هیأتهای دانشجویی و گروه معارف دانشگاه و بخشهای دیگر مشغول فعالیت فرهنگی می‌باشند. در زمینه فرهنگ، نکات ذیل قابل ذکر است:

۱. این مراکز با وجود داشتن تنوع و تشکیلات عریض و طویل و امکانات انسانی و مالی بسیار، به علت عدم برنامه‌ریزی صحیح، از کارایی و بازدهی مناسبی برخوردار نبوده و اغلب انرژی این دستگاهها به هدر می‌رود.

## اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ❖ ۱۶۵

۲. از بدو تأسیس انقلاب اسلامی و به خصوص دو دهه اخیر، جریانات فرهنگی مخالف چه در داخل و چه در خارج، هماهنگ با یکدیگر و با امکاناتی به مراتب چندین برابر امکانات فرهنگی داخل و در جهت عکس فعالیت آنها؛ یعنی سکولاریزه کردن افکار، عقاید و اخلاق در جوانان، مشغول فعالیت می‌باشند و بسیاری از مردم و جوانان ما در شبانه‌روز چندین ساعت در معرض تبلیغات و تهاجم و شیخون فرهنگی آنها بوده و خواه ناخواه بخش عمده‌ای از انرژی نیروهای داخل از این طریق خنثی می‌گردد.

۳. جهت‌گیری فعالیت‌های مخالفان داخل و خارج، در درجه اول، تخریب فرهنگ دینی جامعه است و به طور مسلم همواره تخریب، انرژی کمتری را نسبت به سازندگی روحی و رشد فکر و عقیده که هدف اصلی فعالیت‌های متولیان فرهنگی است، نیاز دارد؛ در حالی که سازندگی کاری به مراتب سخت‌تر و پیچیده‌تر بوده، نیاز به تخصصها و آمادگی‌های مختلف و صرف انرژی فراوان دارد. همچنان که برای تخریب یک ساختمان یک کارگر معمولی کافی است تا در عرض یک ماه به تدریج آن را تخریب کند، در حالی که همان ساختمان را دهها متخصص طی چندین ماه برپا کرده‌اند.

۴. از صدر تاریخ اسلام تاکنون به جز در زمان بسیار محدودی، حکومت‌های غیر دینی در جامعه ایران حاکم بوده‌اند و فرهنگ دینی در ایران فرصت ظهور و بروز چندانی نیافته است. بنابراین، سکولاریزم در جامعه ما از ریشه بسیار عمیقی برخوردار بوده است. اما موج انقلاب اسلامی تاکنون توانسته است فرهنگ دینی را در اقلیتی از جامعه عمق بخشیده و در اکثریت به صورت قشری و رفتار سطحی نهادینه کند؛ به طوری که اغلب مردم به ظواهر دینی عمل می‌کنند، در حالی که از مبانی غیر دینی و سکولار برخوردار می‌باشند. به همین دلیل در صورت برابری نیروی متولیان فرهنگی و مخالفان داخل و خارج، به علت عمیق بودن و ریشه‌دار بودن سکولاریزم در اکثریت جامعه، قطعاً برآیند نیرو به سمت مخالفان خواهد بود و ظواهر را از سطح جامعه پاک خواهد کرد. کما اینکه با نگاهی کوتاه به عملکرد دو دهه اخیر، این موضوع به وضوح مشاهده می‌شود؛ به طوری که طی چند سال اخیر، با وجود پیشرفت در بعضی موارد خاص، مثل رشد اعتماد به نفس ملی، در بسیاری از جهات نیز عقب‌نشینی داشته‌ایم.

با توجه به موارد فوق، بهینه‌سازی فعالیتها در جهت بهره‌برداری حداکثری از امکانات داخلی،

جزء ضروری ترین و اساسی ترین نیازهای مراکز فرهنگی است و جهت نیل به این هدف، تبیین اصول پرورش و انتقال فرهنگ از دیدگاه اسلام، از مهم ترین اولویتها و مقدمات است. لذا این مقاله سعی در تحقیق در این موضوع را دارد.

## تعاریف و اصطلاحات

### تعریف اصل

واژه‌های "اصل" و "اصول" که تقریباً در همه شاخه‌های دانش بشری به کار می‌روند، به طور کلی به معنای پایه و اساس می‌باشند. ولی در قلمروهای مختلف دانش نظیر فلسفه، علوم تجربی، علوم تربیتی و علوم کاربردی، معانی متناسب با آن قلمرو را دارند. "اصول" در علوم تربیتی و علوم کاربردی، قواعد عامه‌ای است که می‌توان آن را به عنوان یک دستورالعمل کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل استفاده کرد (باقری، ۱۳۸۲، ص ۶۴-۶۳). بنابراین، در "اصل"، قاعده و دستورالعمل کلی بیان می‌شود و سرانجام در روشهای مبتنی بر اصل مذکور، شیوه‌های جزئی‌تر برای ایجاد تغییرات مطلوب وجود دارد. (همان، ص ۶۵)

### تعریف فرهنگ

اگر چه دانشمندان تعاریف مختلفی را از فرهنگ ارائه کرده و هر یک از زاویه دید خود به موضوع پرداخته‌اند، ولی با همه‌جانبه‌نگری و مطالعه همه آرا، این تعریف از فرهنگ قابل ارائه است که: فرهنگ مجموعه‌ای متشکل از سه عنصر ذیل است:

عناصر اول: مجموعه عقاید (باورها و دیدگاهها، بینشها، واقعیتها یا دانستنیها و افکار) موجود در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فردی، اجتماعی و ماورای انسانی موجود در یک جامعه.

عناصر دوم: اخلاقیات (عادات و ملکات نفسانی) موجود در حوزه‌های فوق.

عناصر سوم: آداب و رسوم (احکام، قوانین و مقررات، نمادها مثل پرچم، ژست، رنگ مثل رنگ سیاه در ایران که نشانه عزاداری است، شکل و وسیله مثل گلیم و فرش و حصیر، زبان، لباس ... ) موجود در حوزه‌های مختلف مذکور. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۴۷-۳۶)

نکته مهم در مورد فرهنگ اینکه، فرهنگ امری اکتسابی است و نه از طریق وراثت (الگوهای

## اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ❖ ۱۶۷

ژنتیکی)، بلکه در قالب یادگیری و تعلیم و تربیت فرا گرفته می‌شود (همان، ص ۴۵). بنابراین، مهم‌ترین رکن تغییر و انتقال و گسترش فرهنگ، اصول تعلیم و تربیت است و هنگامی خواهیم توانست فرهنگ اسلامی را به خوبی گسترش دهیم که اصول ده‌گانه بر تعلیم و تربیت حاکم باشد.

### مفهوم تربیت

تربیت به معنای پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادهای درونی انسان بوده و یکی از وظایف و اهداف پیامبران است. هر چند از نظر واژه‌شناختی میان "تربیت" و "ربوبیت" تفاوت وجود دارد و ریشه واژه نخست "ربو" به معنای فزونی و نمو و رشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۰) و ریشه ربوبیت واژه "رب" به معنای پرورش است، ولی با این حال برخی معتقدند که اصل ربو و تربیت از مضاعف رب می‌باشد؛ از این رو، راغب اصفهانی در تعریف واژه رب می‌نویسد: رب در اصل به معنای تربیت است که به معنای ایجاد چیزی به صورت تدریجی تا رسیدن آن به حد کمال و نهایی می‌باشد. (همان، ص ۳۳۶)

بر این اساس، استاد مطهری "تربیت" را به معنای پرورش دادن و استعدادهای درونی بالقوه را به فعلیت رساندن ذکر می‌کند. (مطهری، بی تا، ص ۵۷)

شخصی که در مقام تربیت یا ربوبیت قرار می‌گیرد، می‌کوشد تا با نوعی تصرف در چیزی یا کسی، آن را به کمال لایق آن چیز برساند و قوا و نیروهای نهفته در وی را آزاد و شکوفا کند و به نمو و رشد کامل برساند. بنابراین، خداوند از آن رو که اشخاص یا اشیا را به گونه‌ای تربیت و پرورش می‌دهد تا به مقام لایق و شایسته خود برسند، در مقام پروردگاری و ربوبیت نشسته است.

**اهمیت تربیت:** در ارزش و اهمیت نقش تربیت و پرورش همین بس است که خداوند در آیات بسیاری خود را رب و پروردگار موجودات دانسته و پس از مقام اولو‌هیت، به ربوبیت و پروردگاری خویش بر جهانیان اشاره فرموده است. در آیه ۱۲۹ و ۱۵۱ سوره بقره مقام تربیت و رشد انسانها را به عنوان وظیفه پیامبران و هدف بلند ایشان می‌شمارد و تزکیه به معنای رهاسازی شخص از عناصر بازدارنده برای دستیابی به مواد و منابع نمو و رشد را از اصول دعوت و وظیفه یکایک پیامبران برمی‌شمارد. در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران و نیز آیه ۲ سوره جمعه، هدف از آموزه‌های وحیانی و ارسال کتاب و پیامبران را تعلیم و تربیت و تزکیه انسانها می‌داند (میرباقری، ۱۳۸۶). در این مسیر است

که حضرت موسی(ع) برای یافتن استعدادها، ظرفیتها و توانمندی‌های سرشته در نهاد خویش و شکوفایی آن، به سراغ پروردگار و معلمی می‌رود که بتواند آنچه در ذات اوست به تعلیم رشدی خویش آشکار و بارور سازد. وی با آنکه خود از پیامبران اولوالعزم و دارای اراده استوار و قوی است و یکی از شرایع سه‌گانه جهانی را به نام خود ثبت کرده است؛ با این همه از هیچ تلاش و کوششی برای شناخت استعدادها و ظرفیت‌های خود دست برنداشته و می‌کوشد تا با بهره‌گیری از استادی دانا و توانا، آن را بشناسد و شکوفا سازد.

### فرهنگ اسلامی

از آنجا که فرهنگ کشور ما فرهنگی دینی و اسلامی است، تربیت ما به یک معنا دینی خواهد بود. فرهنگ و تربیت اسلامی، تربیتی مبتنی بر شریعت اسلام و منطبق بر کتاب و سنت؛ یعنی وحی الهی و فرامین اهل بیت(علیهم‌السلام) است. در تربیت اسلامی، متربی با میل و اختیار خود از رهنمودهای مربی خویش که مبتنی بر آموزه‌های دینی و اسلامی است، تبعیت کرده و مسیری را می‌پیماید که مورد رضای الهی باشد.

### اصول پرورش و انتقال فرهنگی

در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و پرورش اجزای فرهنگ طبق اصول تعلیم و تربیت، اصول ذیل حاکم است:

۱. **تدریجی بودن تغییر:** تربیت و تغییر امری تدریجی است نه یکباره و تغییر و تقویت فرهنگ نیز یکباره نبوده و به تدریج انجام می‌گیرد. تربیت همانند کوبیدن میخ بر دیوار است که با وارد کردن ضربه و نیرو به طور مستمر انجام می‌پذیرد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۱۲). مقام معظم رهبری در این ارتباط فرمودند:

برای آنچه که مربوط به عمل می‌باشد، گفتن به شکلهای مختلف و منتقل کردن لازم دارد تا در ذهن انسان نفوذ کند و به همین دلیل است که تأکید شده است، قرآن را یک بار از اول تا به آخر بخوانید، وقتی تمام شد دوباره بخوانید و باز هم تکرار کنید، تا هزار بار هم توانستید باز آن را بخوانید. فرهنگ با گفتن مکرر و با شیوه‌های مختلف به روش صحیح می‌افتد و اصلاح می‌شود. (در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۲/۹/۲۹)

بدین جهت هر یک از متولیان فرهنگی و از جمله متولیان دانشگاهی، باید برای ایجاد پرورش و تربیت مخاطبان خود موضوعات مدّ نظر را به طور مستمر و دائم در معرض مخاطبان خود قرار دهند. القای یک موضوع از طریق هر ابزاری از جمله سخنرانی، حکم گلی را دارد که حداکثر چند روز اثر و بوی خود را حفظ کرده، سپس خشکیده شده و از بین خواهد رفت و عملاً اثر خود را از دست خواهد داد. باید متولیان فرهنگی مخاطبان خود را زیر نظر گرفته، تخمی را در دل انسانهای مستعد کاشته و آن قدر آن را آبیاری کنند تا ریشه گرفته و تبدیل به درختچه‌ای شده و خود بتواند از دل خاک، آب لازم را جمع‌آوری کند.

۲. تربیت و تغییر، مبتنی بر احتیاجات و نیازهای اساسی انسان است (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۳۱). بنابراین، پرورش فرهنگ نیز مبتنی بر احتیاجات اساسی است. از آنجا که انسان متشکل از دو بُعد است، هر یک از این ابعاد از سلسله نیازهای اساسی برخوردار بوده و تأمین آنها با حیات و سلامت جسم و روح او ارتباطی کاملاً مستقیم دارد. از طرف دیگر، انسانها به طور طبیعی به طرف منابع تأمین‌کننده نیازهای خود گرایش دارند؛ همچنان که حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: «جبلت القلوب علی حب من احسن الیها». (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶)

هر کسی نقش بیشتری در رفع احتیاجات شخص ایفا کند، به تناسب کمک دریافت شده در صدد پاسخگویی به نیروی یاری‌دهنده برمی‌آید و نزد او از احترام و ایمان بیشتری برخوردار خواهد بود. این اعتقاد و احترام، خود مقدمه پذیرش باورها، اخلاقیات و رفتارهای یاری‌دهنده خواهد شد. بدین جهت دین مبین اسلام در جهت گسترش فرهنگ خود، تأکید فراوانی بر رفع نیازها و به ویژه برطرف کردن محرومیتها دارد. لذا برنامه‌ریزی برای پاسخ به نیازهای انسانی، بخش بزرگی از برنامه و فرهنگ دین مبین اسلام است. اگر روایات و آیاتی که در این مقوله وجود دارد، از مجموعه منابع اسلامی حذف شود، بخش بزرگی از بدنه این منابع از آن خارج خواهد شد. این موضوع حتی در مقوله ارتباط انسان با خداوند هم تجلّی می‌یابد. خداوند در قرآن به طور مرتب نعمتهای خود را به انسانها یادآوری فرموده است؛ چرا که در اثر فهم این مسئله، روحیه شکرگزاری در انسان تقویت شده، اعتقاد و احترام به خداوند قوی‌تر خواهد شد. (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷)

نکته مهم اینکه، مجموعه این نیازها خود دارای سلسله‌مراتب و برخی مقدم‌تر از بقیه است. معروف‌ترین طبقه‌بندی در این موضوع را مازلو (۱۹۷۰) ارائه داده که سلسله نیازهای انسانی را به دو

بخش تقسیم‌بندی کرده است. بخش اول نیازهای اساسی انسان، شامل نیازهای فیزیولوژیک، امنیت، عطفوت، اجتماعی، عزت و ارزشمندی و بخش دوم، نیازهای رشد و کمال (سیف، ۱۳۸۳، ص ۳۵۲) و به عبارتی؛ شدن و بالیدن و شامل نیاز به کسب علم و زیبایی، داشتن هدف، نظم، توکل، ایمان و فضایل اخلاقی، معرفت‌الذات، معرفت‌الذات و کسب سایر کمالات و نیازهایی از فرد برای رسیدن به آنچه توان و استعداد دارد می‌باشد. در برنامه اسلام نیز روی نیازهای فوق تأکید خاصی وجود دارد. امام صادق(ع) می‌فرماید: پنج چیز است که هر کسی یکی از آنها را نداشته باشد پیوسته زندگی او لنگ و خردش سرگشته و فکورش مشغول است: تندرستی، امنیت، فراخی در زندگی، همدمی سازگار و آسایش. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۵۸۱، ح ۴۷۵۴)

همچنین امام صادق(ع) می‌فرماید: سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند. امنیت، عدالت و رفاه (همان، ص ۹۳)؛ یعنی اینکه باید حداقل تا حدودی ارضا شوند تا اینکه بستر برای رشد فراهم شود. (سیف، ۱۳۸۳، ص ۳۵۲)

از طرفی به طور عموم می‌توان گفت کسانی که در هر یک از نیازهای اساسی، از حداقلها محروم و دچار فقر مطلق مالی، عاطفی، امنیتی، اجتماعی و احساس ارزشمندی باشند، به فکر خودشکوفایی نبوده و نمی‌توانند توانایی‌ها و استعدادهایشان را کشف کرده و آرمانهایشان را محقق سازند (همان) و لذا رشد باورها و اخلاقیات و رفتارها، مفهومی نخواهد داشت. شاید به همین دلیل است که بخش بزرگی از بدنه فرهنگ اسلام، پرداختن به نیازهای انسانی و به طور ویژه برداشتن لباس محرومیت از پیش پای انسانهاست که مهم‌ترین آنها شامل موارد ذیل است:

#### الف) نیازهای فیزیولوژیک و مادی

نازل‌ترین و ابتدایی‌ترین نیاز انسانی و ضامن سلامتی و حیات و آسایش جسم است و شامل نیاز به خوراک، سلامت بدن، پوشاک، منزل (جهت استراحت و رفع خستگی و حرارت مناسب که ریشه در ارگانیزم انسانی دارد و نوعی تجدید قوا به شمار می‌رود)، نیاز به اکسیژن و... می‌باشد. اسلام، تأکید فراوانی بر رفع محرومیت مالی از جامعه اسلامی دارد. بخش بزرگی از آیات و روایات در مورد انفاق، صدقه، زکات، خمس، فطریه، نذر و حتی هدیه، ولیمه، بخشش، وام و... است که تأکید اصلی آن بر رفع نیازهای جسمی و مادی جامعه مسلمانان استوار است. حضرت امیر(ع) وجود فقر را نوعی بیماری در اجتماع دانسته (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۴) و با تعبیراتی نظیر «الفقر اشد من



## اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ❖ ۱۷۱

**القتل و «الفقر الموت الاکبر»** (حامد مقدم، ۱۳۶۸، ص ۱۸) وجود آن را مانع رشد و کمال دانسته و در توصیه به فرزند خود می‌فرماید:

آدم فقیر، حقیر است؛ به سخن او کسی گوش نمی‌دهد و قدر او را هیچ کس نمی‌شناسد و سخنش خریدار ندارد و مقام و مرتبتش شناخته نمی‌شود. اگر راستگو باشد، او را دروغگو می‌نامند و اگر زاهد و دنیاگریز باشد، نادانش می‌خوانند و هر کسی بر فقر گرفتار شود، به چهار خصلت مبتلا می‌شود: سستی در یقین، کاستی در خرد، سستی در دین و کمی شرم و حیا در چهره. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۴۷)

همچنین وجود مقدس پیامبر (ص) نیز فقر را یکی از عوامل کفر دانسته و فرموده‌اند: «نزدیک است که فقر به کفر بینجامد» (کلینی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۷) و در جایی دیگر این دو واژه را در کنار هم قرار داده و می‌فرماید: «خدا یا، من از فقر و کفر به تو پناه می‌برم». (کنز العمال، ح ۱۶۶۸۷)

اگر به بررسی جرایم و جنایات بپردازیم، خواهیم دید که در بسیاری از موارد ریشه اختلافها، دزدی‌ها، آدم‌کشی‌ها، گران‌فروشی‌ها و کم‌فروشی‌ها و سایر تعدیات جامعه نیز همین نیاز است (حامد مقدم، ۱۳۶۸، ص ۱۹۷). علاوه بر این، منشأ بسیاری از رذایل روحی مثل بخل و حسد نیز همین فقر است. بنابراین، در هر مجموعه کوچکی و بزرگ اسلامی اگر چند درصدی از مردم که دچار فقر مالی و معیشت هستند تحت پوشش قرار نگیرند، نمی‌توان انتظار رشد و تعالی را در آنها داشت. از سیره معصومین (علیهم‌السلام) درمی‌یابیم که آنها افراد فقیر شهر خود را شناسایی و به طور مستقیم و غیر مستقیم و آشکار و پنهان (شبانہ) آنان را تحت پوشش خود قرار می‌دادند. پیامبر اکرم (ص)، اصحاب فقیر صفة را در مسجد النبی زیر چتر حمایتی خود قرار داده، مسلمانان را به همنشینی با فقرا امر فرمودند (همان، ص ۴۳)؛ چراکه همنشینی با فقرا سبب نزدیکی و درک ناراحتی آنان و در نتیجه، رفع نیازشان می‌شود.

حضرت امیر (ع) دواي مرض فقر را صدقه و بخشش دانسته (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۴) و دستگیری‌های شبانه آن حضرت (ع)، امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) از بدیهیات تاریخ اسلام و سفره‌های دعوت عمومی امام حسن مجتبی (ع) از معروف‌ترین سفره‌های تاریخ اسلام است. از طرف دیگر، دین مبین اسلام، مؤمنان را به عنوان مریبان کوچک‌تر جامعه اسلامی تشویق می‌کند که به این نیاز، توجه خاص کرده، به تأسی از مریبان بزرگ خود با ابزارهای

مختلف، لباس محرومیت را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین موانع رشد کمال و تربیت از جلوی فقرا بردارند؛ به طوری که «به پیامبر ایمان نیاورده کسی که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد» و همچنین «اهل یک آبادی که شب را بگذرانند و در میان ایشان گرسنه‌ای باشد، خداوند در روز قیامت به آنها نظر رحمت نیفکند». (کلینی، ۱۳۷۵، ص ۴۹۳)

نکته مهم، تمایل فطری محرومان به سمت افرادی است که آنها را تحت حمایت خود قرار می‌دهند و اغلب یاران و اصحاب پیامبر (ص) و سایر معصومین (علیهم‌السلام) و در عصر حاضر نیز برپاکنندگان انقلاب اسلامی ایران را فقرا و محرومان تشکیل داده‌اند که یکی از علت‌های آن می‌تواند توجه ویژه اسلام به این نیاز انسانی باشد.

#### ب) نیاز به احساس امنیت

این نیاز شامل داشتن تکیه‌گاهی مطمئن و محیطی امن و به دور از تهدید و عدم وجود نگرانی خاطر است. انتقال فرهنگ و کسب معرفت و رشد اخلاقیات، در سایه محیطی امن امکان‌پذیر بوده و بدون احساس امنیت، دستیابی به کمال غیر ممکن است. امنیت، پیش‌نیاز دستیابی به عبودیت و بندگی خدا بوده و کسی که امنیت نداشته باشد، پیوسته زندگی اش لنگ و خردش سرگشته و فکرش مشغول خواهد بود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۵۸۱، ح ۴۷۵۴) و به فرمایش امام صادق (ع):  
امنیت یکی از چیزهایی است که همه مردم به آن نیاز دارند. (همان، ص ۷۹۳)

به طور طبیعی و فطری، انسان به طرف کسانی که عامل امنیت خاطر او را فراهم می‌سازند گرایش و تمایل دارد. نیاز به امنیت، عاملی است که باعث می‌شود انسان به مقابله با عوامل تهدید کننده برود و از حقوق خود دفاع کند و عوامل دغدغه‌ساز را از بین ببرد. اگر بخواهیم این نیاز را در محیط‌های دانشجویی بررسی کنیم، طی سالهای اخیر دو نوع نگرانی در بین دانشجویان و جوانان رشد داشته است: نخست، احساس ناامنی نسبت به کسب شغل در آینده به خصوص در دانشجویان پسر ترمهای آخر با توجه به گسترش تعداد دانش‌آموختگان و دوم، دغدغه خاطر نسبت به موضوع ازدواج به خصوص در بین دانشجویان دختر با توجه به بالا بودن ترکیب جمعیتی دختران در دانشگاهها نسبت به پسران و همچنین بالا رفتن سن ازدواج. در صورتی که افراد نتوانند بر این عوامل ناامنی غلبه کنند، برای دور ماندن از نگرانی‌ها ممکن است به دامن اعتیاد یا فحشا پناه

### اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ﴿ ۱۷۳

بیرند. یکی از دلایل مهم بالا رفتن آمار اعتیاد به مواد مخدر در جامعه، به خصوص جوانان، بالا رفتن ضریب احساس ناامنی در بین جوانان است. به عبارتی دیگر، فرهنگ فحشا و فساد و اعتیاد به مواد مخدر هر چند نمی‌تواند تأمین‌کننده امنیت برای فرد باشد، اما می‌تواند موقتاً او را از ناامنی و نگرانی دور کند. بنابراین، فرهنگی لازم است که بتواند برای شخص پناهگاه و امنیت‌بخش باشد و او را با تمام وجود مجذوب خود کرده و در خود حل کند.

### ج) نیازهای اجتماعی

این دسته نیاز شامل نیاز به تعلق به جمع و داشتن انیس و رفیق است. انسان موجودی اجتماعی است و هیچ‌کسی به تنهایی قادر به رفع نیازهای خود نیست. لذا برای رفع آنها ناچار به عضویت در گروه‌های مختلف اجتماعی و استفاده از امکانات و استعدادها و توانایی‌های آنهاست. (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲)

امام صادق (ع) در این ارتباط می‌فرماید: «بدون تردید شما به مردم نیازمندید و هیچ‌کس نمی‌تواند جدا از دیگران و بی‌نیاز از آنها باشد و مردم به یکدیگر وابسته و نیازمند هستند». (کلینی، ۱۳۷۹، ص ۶۳۵)

بنابراین، انسان به طور طبیعی روحیه تعلق و گرایش به جمع و انس و الفت برقرار کردن با افراد را داشته و دوست دارد عضو یک تشکل یا گروه بوده و جایگاه مشخصی را در یک مجموعه انسانی داشته باشد. به همین دلیل، از جمع تأثیر می‌پذیرد و به طرف کسی که انیس او باشد تمایل می‌یابد. پیامبر (ص) می‌فرماید: «دل آدمی وحشی است؛ پس هر کسی بدان الفت ورزد، به سوی او روی می‌کند». (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷)

در اسلام هزاران حدیث و آیه در ارتباط با این موضوع وجود دارد که سعی می‌کند امت اسلامی را مجموعه‌ای در هم تنیده، واحد، یکپارچه و آهنین بسازد. حتی بخش بزرگی از عبادات و راز و نیاز با خدا را نیز به صورت جمعی وارد کرده است. از طرفی، خداوند در قرآن، همه کسانی را که در جرگه مؤمنان قرار می‌گیرند، با هم برادر می‌داند و می‌فرماید: «مؤمنان برادران یکدیگرند». (حجرات، آیه ۱۰)

حتی افرادی را که از نظر روحی و درجه ایمان به یکدیگر نزدیک‌ترند، تشویق به عقد اخوت نیز می‌کند؛ چراکه روحيات نزدیک به یکدیگر، زودتر با هم انس می‌گیرند و انیس یکدیگر

می‌شوند. به عبارت دیگر؛ اسلام از یک سو سعی دارد با توجه به نیاز اجتماعی انسان، برنامه‌ریزی کرده و مجموعه مسلمانان را به یکدیگر نزدیک سازد و اجتماع بزرگ اسلامی و امت واحده اسلامی را شکل دهد و از سوی دیگر، با ایجاد و تقویت تشکیلات و جمعیت‌های کوچک و بزرگ دو تا چند نفره از طریق تشکیل و تقویت خانواده، عقد اخوت، تحکیم پیوند بین ارحام و همسایگان، پیوندهای درونی این اجتماع را هر چه قوی‌تر و مستحکم‌تر بسازد. اسلام به خانواده و همچنین اهل فامیل به عنوان یک تشکل نگاهی خاص دارد و سعی می‌کند با برنامه‌های خود، خانواده را هر چه مستحکم‌تر بسازد؛ به صله رحم تأکید بسیار دارد و سعی می‌کند به این واسطه، جمعیت‌های کوچک‌تر را نیز به هم نزدیک سازد. علاوه بر این، اسلام به تشکیلات گروهی نیز بها می‌دهد؛ به عنوان مثال، پیامبر(ص) قبل از اینکه به پیامبری مبعوث شوند، در پیمانهای اجتماعی از جمله حلف الفضول پیشتاز بودند. (هددی، ۱۳۸۸)

در عصر حاضر نیز یکی از مهم‌ترین دلایل توسعه فرهنگ اسلامی در جامعه ایران و لبنان، شکل‌گیری تشکلهای بسیج و انجمنهای اسلامی و پایگاههای مقاومت و گسترش هیأت‌های مذهبی و کانونهای فرهنگی در تمام محلات، شهرها و روستاهای سراسر کشور ایران و همچنین وجود تشکیلات قوی و منسجم در حزب الله لبنان است. حتی تحلیلگران خارجی نیز علت تثبیت و پیشرفت و رشد انقلاب اسلامی ایران را ایجاد انجمنهای اسلامی در میان قشرهای مختلف دانسته‌اند (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با اتحادیه دانشجویان سراسر کشور، ۷۹/۲/۲۸)؛ چرا که تشکلهای دینی به افراد هویت دینی بخشیده، ارزش و هویت جوان و فرد را در حد یک مبلغ دین و جانشین پیغمبر بالا می‌برد. (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با تشکلهای دانشجویی، ۷۹/۷/۹)

به عنوان یک نمونه منفی نیز می‌توان به استفاده سران منافقان از این نیاز انسانی و به وجود آوردن تشکیلات قوی و منسجم و آهنین چند ده هزار نفری در قالب گروههای ۵۰-۱۰۰ نفری در بین جوانان اشاره کرد؛ به طوری که اغلب این جوانان با وجود جوانی و قلب پاکیزه‌ای که داشتند، چنان شیفته و دلداده سازمان شده بودند که برای اجرای هر دستور و جنایتی از طرف رهبران سازمان، آماده بودند.

بنابراین، متوکیان فرهنگ و از جمله متوکیان دانشگاهی، در راه اشاعه فرهنگ در محدوده کاری خود باید تمام تلاش خود را بکنند تا ۱۰۰٪ مردم و دانشجویان را در قالب تشکلهای مختلف

#### اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ❖ ۱۷۵

در آورده و خود، رهبری و هدایت این تشکلهای را بر عهده گیرند. این موضوع با توجه به کاهش رشد جمعیت در چند سال اخیر و کوچک بودن خانواده‌ها طی سالهای آینده، یک ضرورت و یک فرصت خواهد بود.

#### د) نیاز به پناهگاه عاطفی و ملجأ روحی

انسان در هر مرحله از زندگی، نیاز به مورد محبت واقع شدن و محبوب بودن دارد؛ به طوری که در زیارت امین‌الله از خداوند درخواست می‌کنیم: «خداوند! مرا محبوب در روی زمین قرار بده». (قمی، ۱۳۷۲، ص ۶۳۵)

این نیاز در فطرت هر انسانی وجود دارد. خداوند در قرآن کریم، فلسفه ارسال پیامبر را نیز رحمت برای جهانیان دانسته و می‌فرماید: «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم» (انبیاء، آیه ۱۰۷) و شرط ایجاد رفق را حبّ و دوست داشتن می‌داند. امام باقر(ع) در این ارتباط می‌فرماید: «انسان با هر کسی که بدو محبت می‌ورزد، محشور خواهد شد». (کلینی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷)

از آن بالاتر، دین را همان محبت و محبت را همان دین می‌داند؛ امام باقر(ع) می‌فرماید: «هل الدین الا الحب...». (برازش، ۱۳۸۰، ص ۱۷)

همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «الحب هو الدین». (همان)

حضرت امیر(ع) توجه خاصی به یتیمان که جزء محرومان عاطفی هستند، ابراز می‌فرمودند. آن حضرت(ع) آنها را به دور خود جمع می‌کردند و با انواع بازی‌ها و صدای تقلیدی از گوسفند، می‌خندانند و گاهی با انگشت خود عسل در دهان آنها می‌گذاشتند تا هم شیرینی عسل و هم شیرینی پدر را با هم احساس کنند. (دشتی، بی‌تا، ص ۲۹)

پیامبر(ص) اگر هر یک از یاران خود را سه روز نمی‌دید، خیر او را می‌گرفت. اگر در سفر بود، برایش دعا می‌کرد و اگر در سفر نبود، به دیدارش می‌رفت و اگر مریض بود، به عیادتش می‌رفت (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۳۹). بنابراین، متولیان در راه اشاعه فرهنگ اسلامی باید مخاطبان خود را عمیقاً دوست داشته و این دوستی را به انحاء مختلف اظهار کنند و از طرف دیگر، محرومان عاطفی را شناسایی و به طور مستقیم تحت پوشش قرار دهند.

### ه) نیاز به عزت و ارزشمندی

شامل نیاز به عزیز و ارزشمند بودن، داشتن احترام و کرامت، اعتبار و آبرو در جامعه و احساس کسب توفیق و تأیید، احساس شایستگی و کفایت و مهارت و ایجاد تصوّر مثبت در دیگران نسبت به خود است (سیف، ۱۳۸۳، ص ۳۵۱). در برنامه اسلام، انسان دارای جایگاهی رفیع در بین سایر مخلوقات بوده و کرامت و شرافت بنی آدم باعث فرمان اعجاب انگیز خداوند به ملائکه مبنی بر سجود در برابر او و اعتراف به ارزشهای نهفته وجودی او شده است که تفوق انسان بر سایر موجودات را یادآور می‌شود. در منطق قرآن، عدم حفظ کرامت و احترام انسان، مصداق بارز شر و کار شیطانی بوده، سبب دور شدن از رحمت الهی می‌شود؛ همچنان که شیطان به سبب همین موضوع از رحمت بی‌همتای خداوند محروم شد (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱). اسلام سعی می‌کند با مشخص کردن حقوق و عزیز و محترم شمردن اولیا، والدین، استادان، مؤمنان، همسایه‌ها و حتی غیر مسلمانان (به عنوان یک انسان)، این نیاز انسانی را ارضا کند و بدین طریق، انسانها را شیفته خود کند. به همین دلیل در برنامه اسلام، تمسخر و تحقیر و بدگویی و غیبت و فحش و همه عواملی که ارزش و احترام انسان را می‌کاهد، شدیداً مورد نکوهش واقع شده و سعی در حذف این عوامل دارد.

این نیاز یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی است و تأمین آن در تسکین آلام درونی و رشد قوه ابتکار و خلاقیت افراد و بالا بردن رشد اجتماعی و رعایت حقوق دیگران، اثر بسزایی دارد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۴). محرومیت نسبت به آن نیز به تدریج ناهنجاری خود کم‌بینی و حقارت را در درون روح پرورش می‌دهد که بزرگ‌ترین مانع بر سر راه رشد استعداد های انسانی است و موجب می‌شود شخص یا دچار کم‌رویی شده یا با خشونت به ابراز وجود خود پردازد. امام هادی (ع) می‌فرماید: «کسی که شخصیتش در نظرش خوار و بی‌مقدار گردد، از شرش ایمن مباش». (حرانی، ۱۳۷۶، ص ۵۱۲)

همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «کسی که از عزت نفس و کرامت برخوردار گردد، به طرف

**زشتی‌ها و کارهای ناپسند نمی‌رود و ارزش خود را پایین نمی‌آورد».** (آمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۰)

در واقع؛ منشأ بسیاری از تلاشهای انسانی و رقابت بین انسانها، ابراز وجود و کسب عزت و ارزش است. چه بسیار عمر انسانها که با هدف کسب ثروت بیشتر و تصاحب قدرت و منصب یا به دست آوردن مدرک و عنوان بالاتر در مسابقات ورزشی، علمی و اهداف پوچ دیگر مصرف شده تا اعتبار و جایگاهی با ارزش در بین انسانهای دیگر بیابند.

## اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ❖ ۱۷۷

بنابراین، یکی از نیازهای اولیه هر انسانی، احساس ارزشمند بودن است و هر انسانی به طور فطری به طرف کسی گرایش دارد که برای او ارزش و جایگاه قائل باشد و مهارتها و توانایی‌ها و نقاط قوت او را بروز دهد که نشانه ارزش شخص است. ولی در این میان بعضی افراد وجود دارند که این نیاز در آنها مرتفع نشده و احساس حقارت و کوچکی و بی‌ارزشی کرده و توانایی ابراز وجود خود را از دست داده و به نوعی فقر ارزشمندی دچار گشته‌اند. این عده باید از طرف متولیان فرهنگی به طور اورژانسی مورد حمایت قرار گیرند؛ در غیر این صورت از زمره مخاطبان متولیان فرهنگی دور خواهند بود. اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز با شناسایی این دسته از محرومان، نظیر بردگان که شخصیت آنان خوار و لگدکوب شده و فاقد ارزش شمرده می‌شدند، سعی در برطرف کردن این محرومیت داشتند و در این راه آنها را به بهانه‌های مختلف خریده و آزاد می‌کردند یا پس از خریدن، مدتی زیر چتر حمایتی خود قرار می‌دادند تا شخصیت خویش را بازیابند و سپس آنها را آزاد می‌کردند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «همانا امیرالمؤمنین (ع) ۱۰۰۰ بنده را با پولی که از دسترنج خویش به دست آورده بود، آزاد فرمود». (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶)

زنان نیز در بدو اسلام از جمله گروههایی بودند که بدون ارزش شمرده می‌شدند. اما اسلام با توجه خاص به زنان، سعی در بازیابی شخصیت اجتماعی آنان را کرده است.

اسلام همچنین سعی در جهت‌دهی و هدایت این نیاز در انسانها دارد. لذا ارزش انسانها را به تقوا، علم، ایمان و اخلاق و فضایل انسانی دانسته است و سعی در هدایت آنها به طرف این ارزشها دارد.

یکی از مصادیق این نیاز، میل فطری عدالت‌خواهی در انسانهاست. وجود تبعیض، نشانه زیر پا گذاشتن ارزش واقعی انسانهایی است که شایستگی لازم را برای موضوعی دارند و به نوعی، نمایان نشدن ارزش و اعتبار واقعی افراد است. این نیاز، خود از بهترین وسایل جذب اعتماد می‌باشد و به همین دلیل در اسلام، مهم‌ترین ویژگی افرادی که جهت‌دهنده فکری مردم و متولگی توسعه فرهنگ اسلامی هستند، نظیر رهبر و امام جماعت، عادل بودن آنها ذکر شده است. یکی از علت‌های اساسی حکومت اسلامی امام زمان (عج) هم برقراری عدالت است که طی آن، افراد توانا و عالمی را که با وجود توانایی و علم خود، به استضعاف کشیده شده و در جایگاه خود قرار ندارند، به مقام و جایگاه شایسته خود می‌رساند؛ همانگونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: «و نرید ان نمنّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». (قصص، آیه ۵)

نکته قابل توجه اینکه، نظام لیبرال - دموکراسی غرب نیز با بهره گرفتن از نیاز عزت و کرامت و ارزشمندی انسانی، به دنبال جذب افراد و توسعه دیدگاهها و فرهنگ خود بوده است. لیبرال - دموکراسی غرب با محور قرار دادن شعار آزادی خواهی و سوءاستفاده از آن، سعی در ارزش دادن به کرامت انسانها داشته و از این طریق، توانسته است دل‌های بسیاری را به سوی خود جلب کند و فرهنگ خود را در جهان گسترش دهد. بنابراین، متولیان فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های خود باید توجه به این نیاز اساسی انسانی را در سرلوحه کار قرار دهند.

#### (و) نیاز به علم و آگاهی و معرفت‌یابی و کشف حقیقتها

این نیاز عامل رشد سطح علم و دانش بشری چه در ابعاد نظری و چه در ابعاد فنی و عملی در طول تاریخ بوده است. انسان به طور فطری موجودی کنجکاو بوده و به سمت هر منبعی که علم و معرفت او را افزایش دهد، گرایش پیدا می‌کند. در اسلام نیز بخشی از آیات قرآن و گفتار و سیره اهل بیت (ع) تشویق مؤمنان به علم‌آموزی، تفکر و تعقل و بیان جایگاه علم و عالم اختصاص یافته است و در نقطه مقابل آن، جهل را از مصادیق بارز شر و صفات شیطانی می‌داند. همچنین در بُعد دیگر سعی در جهت‌دهی مناسب به این نیاز آدمی را دارد.

انسان همیشه به سمت کسانی که نکته‌ای یا عملی را به او آموزش دهند، گرایش می‌یابد. بنابراین، متولیان فرهنگی باید از این نیاز نیز کمک گرفته و به طور مرتب، علم افراد را توسعه دهند. به عنوان مثال، ائمه جماعت مساجدی که هر روز بین دو نماز یا بعد از نماز چند دقیقه صحبت کرده و هر دفعه نکات جدیدی را آموزش می‌دهند، موفق‌تر خواهند بود و بالعکس، ائمه جماعتی که صحبت‌های تکراری داشته باشند، جذابیت چندانی در بین مأمومین خود ندارند. یکی از دلایلی که استادان و دانشجویان دانشگاهها نسبت به قشرهای دیگر جامعه، علاقه و گرایش بیشتری به سمت فرهنگ غرب دارند، همین موضوع است؛ چرا که منبع و مرجع بسیاری از علوم و کتب دانشگاهی، دانشمندان غربی‌اند. لذا به طور طبیعی، تمدن غرب در نزد دانشجویان و استادان، احترام خاصی داشته و به سمت آن گرایش و میل خواهند داشت. بنابراین، تازمانی که وابستگی علمی به غرب وجود داشته باشد، وابستگی فرهنگی غیر قابل اجتناب خواهد بود. این یکی از دلایلی است که مقام معظم رهبری در سالهای اخیر بر استقلال علمی کشور تأکید بسیاری



داشته‌اند. بر متولیان فرهنگی است که به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که روحیه کنجکاوی و علم‌خواهی افراد را تأمین کنند و نکته مهم دیگر اینکه، این متولیان در نزد مخاطبان، باید به عنوان افرادی عالم شناخته شوند.

### ز) نیاز به زیبایی

از آنجا که انسان به طور طبیعی به سمت خدایی شدن گرایش دارد و یکی از خصوصیات خداوند، زیبایی است همچنان که پیامبر مکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر [این] نعمتش را بر بنده‌اش ببیند» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۴۸)؛ بنابراین هر انسانی به طور طبیعی به دلیل وجود این نیاز در درون خود به سمت زیبایی گرایش دارد و از زشتی‌ها گریزان است. همین نیاز در طول تاریخ سبب ایجاد انواع سبکها و آثار مختلف هنری در مقوله‌های نقاشی، طراحی، خطاطی، شعر، خطابه، معماری، مجسمه‌سازی، موسیقی، فیلم و عکس و ادبیات و گل‌آرایی و... شده است. در برنامه اسلام نیز به این اصل پرورش زیبایی اهمیت و اعتبار بسیاری داده شده است؛ به طوری که نظافت و تمیزی را نیمی از ایمان دانسته و در مقوله خط و خوشنویسی، استفاده از زیور و زینت و آراستگی و زیبا کردن محیط، دستورات و تأکیدات بسیاری دارد. بنابراین، از آنجا که انسان به طور طبیعی نسبت به زیبایی کشش و تأثیرپذیری بسیار قوی دارد، متولیان فرهنگی و از جمله متولیان دانشگاهی، باید از ظاهری زیبا و آراسته برخوردار بوده، از ابزارهای هنری برای انتقال دیدگاهها و اخلاقیات و آداب و مقررات دینی کمک بگیرند.

### ح) نیاز به نظم

جهان هستی و از جمله وجود انسان، از یک نظام و ساختار به هم پیوسته و منظم برخوردار بوده و این موضوع یکی از اصول وجودی و درونی هر انسانی است. بنابراین، هر انسانی به طور طبیعی به سمت نظم گرایش دارد و برای افراد منظم، احترام و ارزش خاصی قائل می‌شود و از آنها تأثیر می‌پذیرد. نظم، عامل آرامش برای انسانها بوده و بالعکس، بی‌نظمی و به هم ریختگی، نوعی اضطراب و ناراحتی در درون انسان ایجاد می‌کند. اسلام بر نظم به عنوان یکی از نیازهای انسانی تأکید فراوانی دارد؛ به طوری که حضرت امیر(ع) در فرازی از آخرین وصایای خود که در

آخرین دقایق عمر شریفشان بیان می کنند، بعد از تقوا، موضوع نظم را سفارش می فرمایند: «شما دو فرزندم - حسن و حسین - و همه خاندان و فرزندانم و هر کس را که این وصیت من به او رسد، به تقوای از خدا و سامان بخشیدن به کارها سفارش می کنم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). آفرینش، بر اساس **نظمی الهی بنا نهاده شده است**. بنابراین متولیان فرهنگی در برنامه ریزی های خود باید نظم و ترتیب را مورد توجه قرار دهند. همچنین علاوه بر این، باید افراد بسیار نامنظم را در محدوده مخاطبان خود شناسایی و به طور غیر مستقیم تحت نظر و پوشش خود قرار دهند و به آنان کمک کنند تا نظم در زندگی شان برقرار شود؛ چرا که در این صورت، گرایش بالایی به سمت این متولیان خواهند داشت.

#### ط) نیاز به داشتن هدف

یکی از نیازهای فطری هر انسانی، داشتن حجت، دلیل و اهدافی شفاف و مشخص در زندگی و حرکت به سمت هدف و دور بودن از سرگردانی و حیرت است. یکی از نشانه های این نیاز و میل در آدمی، توسعه روان شناسی موفقیت طی سالهای اخیر در سراسر جهان و از جمله در کشور ماست؛ به طوری که طی سالهای اخیر دهها هزار کتاب و کلاس در این موضوع تألیف و برگزار شده که مهم ترین بخش کار آنها، هدف یابی و چگونگی دستیابی به آن اهداف است. به طور کلی انسانها میل به سمت خدایی شدن دارند و همواره به دنبال گمشده خود می گردند. لذا به طور طبیعی از حیرت و سرگردانی گریزانند و به سمت کسانی که به زندگی آنها جهت بدهند، تمایل دارند.

بنابراین، متولیان فرهنگی باید ضمن شناسایی و پوشش افرادی که اهداف مشخص و شفافی برای آینده خود ندارند، در قالب کارگاههای آموزشی، مشاوره یا ابزارهای دیگر، به زندگی آنها هدف و جهت بدهند و غیر از آن نیز برای همه مخاطبان فرهنگی خود، اهداف کلی و کلان نظام آفرینش را تبیین کنند تا افرادی که اهداف چند ساله خود را مشخص کرده اند نیز در راستای اهداف کلی خلقت قرار گیرند.

۳. توجه به گذشته و وضعیت فعلی فرد: یکی دیگر از اصول مهم تربیت و تغییر، اصل توجه به گذشته و وضعیت فعلی فرد است (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۲). تغییر در هر فردی، حرکت از وضعیت فعلی و با هدفی خاص و مشخص به سمت کمال است و از آنجا که تجربیات

گذشته فرد، پایه ادراکات فعلی او را تشکیل می‌دهد، لذا برای همه مخاطبان نمی‌توان یک نسخه واحد پیچید. بنابراین، برای تغییر دیدگاهها و ملکات و آداب و رسوم فرد باید ارزیابی‌ای از وضعیت موجود هر فرد به عمل آورد و با دسته‌بندی مخاطبان یا حتی مشاوره فردی، تغییرات لازم را در او ایجاد کرد. اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز در برنامه تربیتی و انتقال اخلاق، اعتقاد و رفتار اسلامی به عنوان اجزای فرهنگ اسلامی، این نکته را در نظر داشتند و گاهی برای هر فرد، نسخه خاصی را متفاوت با بقیه تجویز می‌کردند.

۴. اصل تأثیر ظاهر بر باطن: منظور از ظاهر، همه امور مشهودی است که از انسان سر می‌زند و مراد از باطن، شئونی است که قابل مشاهده نیست؛ همچون نیت و فکر (باقری، ۱۳۸۲، ص ۶۶). طبق این اصل، هر گاه بخواهیم تغییر و تحوّل را در باطن افراد ایجاد کنیم، باید ابتدا ظاهر را دستکاری کنیم؛ چرا که ظاهر می‌تواند اثر تلقینی داشته باشد (همان، ص ۶۸). بنابراین، تنظیم محیط و ظواهر در راستای توسعه فرهنگ، اهمیت بسیاری دارد و متولیان فرهنگی و از جمله متولیان دانشگاهی، باید در برنامه‌های خود استفاده از ظواهر محیطی را در راه پرورش روح در نظر بگیرند.

۵. اصل مبتنی بر کوشش و فعالیت: در جریان تربیت، مخاطب باید فعال بوده (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۲۲) و مشارکت داشته باشد. وقتی موضوعی برای مخاطب به صورت مسئله یا مشکلی در می‌آید و خود او احساس مسئولیت و تعهد کرده و مشارکت کند، باعث تغییر افکار و عادات و تمایلات وی خواهد شد. به همین دلیل، اعضای تشکلهای مثل اعضای فعال انجمنهای اسلامی و بسیج که در ظاهر فعالیتهایی را برای آگاهی‌دادن به بقیه انجام می‌دهند، ولی این فعالیتها بیش از همه بر روی خود این اعضا مؤثر واقع شده و باعث تغییر و تحوّل و رشد آنها می‌شود. بنابراین، متولیان فرهنگی در صورتی که مخاطبان خود را در موضوع مورد نظر فعال کنند، باعث تسهیل در پرورش و تقویت آنها خواهند شد.

۶. اصل تفکر و تفقه: این اصل یعنی اینکه مباحث پس از خوانده شدن یا شنیدن، فهم شود که منشأ آن تفکر است و در مرحله بعد به یقین و سپس به عمل برسد. حضرت علی (ع) فرمودند: «ای انسان بشنو، سپس بفهم و سپس به آن عمل نما» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۵۲). بنابراین، در انتقال فرهنگی وقتی مطلبی به فراگیران انتقال داده می‌شود، باید به گونه‌ای انتقال صورت گیرد که منجر به فهم و کاربرد نیز بشود.

۷. اصل اختیار و انگیزش: یکی از ساحت‌های وجودی انسان، اراده و اختیار اوست و مبنای

دین بر پایه این خصوصیت آدمی پی‌ریزی شده است. وجود مفاهیم هدایت و پاداش، حاکی از دیدگاه خاص دین اسلام نسبت به انسان است که او را موجودی مختار و صاحب اراده می‌داند (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۷). بنابراین، متولیان فرهنگی ابتدا باید علاقه و انگیزه نسبت به موضوعاتی که قصد تبلیغ آن را دارند ایجاد کنند و برای این منظور باید با استفاده از همه ابزارهای ممکن، ضرورت و فواید موضوعات را برای مخاطبان مشخص و باورپذیر کنند.

**۸. اصل تفاوت‌های فردی:** شخصیت هر انسانی در شرایط و محیط ارثی و زیستی ویژه خود شکل می‌گیرد. بنابراین، تفاوت‌های بسیاری بین انسانها وجود دارد. معصومان (علیهم‌السلام) در امر آموزش و تربیت به این اصل توجه ویژه‌ای داشتند. پیامبر (ص) می‌فرمایند: «همانا ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۷). امامان معصوم (ع) گاهی به بعضی سؤالات یاران خود پاسخ نمی‌دادند و می‌فرمودند برای شما ضرر دارد و به بعضی افراد نیز اسراری را به طور خصوصی آموزش می‌دادند و سفارش می‌کردند برای دیگران نقل نکنند. محمد بن ابی‌نصر می‌گوید: از امام رضا (ع) مسئله‌ای را پرسیدم، امام (ع) پاسخ نداد. سپس فرمود: اگر هر چه را که شما بخواهید برایتان بیان کنیم، برای شما ضرر خواهد داشت (همان، ص ۴۸). جابر بن یزید جعفی نیز می‌گوید: امام باقر (ع) هفتاد هزار حدیث برایم بیان کرد که برای هیچ کس نقل نکرده‌ام و نخواهم کرد و امام به ایشان توصیه کرد که حتی اگر می‌تواند به بیابان برود و چاهی حفر کرده و برای چاه بگوید و برای کسی چیزی نگوید (همان). همچنین معصومان (ع) در آموزش‌های خود، اغلب از روش‌های پرسش و پاسخ استفاده می‌کردند که این امر حکایت از توجه ویژه آنان در آموزش‌های خود به تفاوت‌های فردی دارد؛ زیرا در این روش، هر یک از مخاطبان با توجه به علاقه و استعداد و تخصص خود پرسش‌های خود را مطرح می‌کنند (همان، ص ۴۹). امام صادق (ع) شاگردان مختلفی را در موضوعات کلام، فقه، ادبیات، تفسیر و... تربیت کردند که نشانه توجه خاص آن حضرت (ع) به تفاوتها و علاقه‌های شخصی است. (امین، ۱۳۷۴، ص ۶۶)

**۹. اصل ارزشیابی و نظارت:** هدف اصلی ارزشیابی در هر فعالیتی، شناخت میزان آمادگی و توانایی‌های انسانی در قبل و بعد از انجام آن فعالیت است. نمونه‌های بسیاری در سیره معصومان (ع) در این موضوع قابل اشاره است. روزی امام صادق (ع) از یکی از یاران خود پرسیدند از من چه آموخته‌ای و ایشان هشت موضوع را که از امام (ع) آموخته بود، توضیح داد و امام (ع) ایشان را

## اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ❖ ۱۸۳

مورد تشویق قرار داد (حسینی زاده، ۱۳۸۵، ص ۷۴). همچنین روزی امام صادق (ع) به یکی از اصحاب خود فرمودند آیا نماز را نیکو می گذاری و به او گفتند که بلند شود و نماز بگذارد و امام (ع) نماز خواندنش را تصحیح کردند (همان). همچنین امام صادق (ع) شاگردان خود را در حضور خود به مناظره با دیگران دعوت می کرد و در پایان مناظره، آنان را ارزیابی می کرد (همان، ص ۷۵). بنابراین، متولیان فرهنگی و از جمله متولیان دانشگاهی، باید در موضوعاتی که مد نظر دارند، هم سطح اولیه مخاطبان را و هم پس از اجرای برنامه ها میزان دستیابی به اهداف را ارزیابی کنند.

### ۱۰. نیازسنجی مناسب و اولویت بندی در اهداف و نیازها (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳، ص ۴۶):

این موضوع برای مخاطبانی که در محدوده زمانی کمتری در دسترس هستند اهمیت دو چندان می یابد؛ نظیر دانشجویانی که فقط در محدوده زمانی دو تا شش سال (با توجه به نوع رشته تحصیلی) در دسترس متولیان فرهنگی قرار دارند. در واقع؛ عدم اولویت بندی، هدر دادن سرمایه ها و هزینه کردن کم فایده است. حضرت علی (ع) می فرمایند: «کسی که به کارهای غیر مهم مشغول شود، امر مهم تر را از بین می برد» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۸). مقام معظم رهبری نیز در این ارتباط می فرمایند:

در زمینه برنامه ریزی ببینید اولویتهای قطعی چیست. حالا همین بودجه ای که دارید ببینید که کجاها واجب تر است هزینه شود؛ یعنی واقعاً [الواجب فالواجب] را مورد ملاحظه قرار دهید و اولویتها را رعایت نمایید. (سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۶۹/۱۰/۳)

متولیان فرهنگی باید اهدافی را به طور کاملاً مشخص، واقع بینانه و شفاف و در سه سطح زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و به عبارتی؛ در سطح کلان، میانی و جزئی برنامه ریزی کنند. همچنین اهداف باید بین هر یک از بخشهای مدیران و کارکنان یک سازمان فرهنگی یگانه و یکتا برنامه ریزی شده باشد و همگی به یک ساختار فکری و اهداف واحدی رسیده باشند (حسینی، ۱۳۸۳). این در حالی است که بسیاری از مراکز فرهنگی از جمله در دانشگاهها، فقط دارای اهدافی کلی و مبهم در حد مشخص بودن اصول و سیاستگذاری های کلی برای برنامه ریزی بوده و به خاطر تغییر و جابه جایی عناصر و مدیران فرهنگی و چند شغله بودن و عدم وجود نگرش کلان در مدیران فرهنگی، نمی توانند برنامه های کلان داشته باشند.

### نتیجه گیری

از این بررسی به دست آمد که فرهنگ هر جامعه از جمله دانشگاهها، شامل سه جزء اصلی اعتقادات (بینشها)، عادات (ملکات) و رفتارهای آن جامعه بوده و راه انتقال یا کسب آن نیز از طریق تعلیم و تربیت است. بنابراین اصول ده گانه حاکم بر تعلیم و تربیت در انتقال و پرورش فرهنگ نیز مؤثر است. این اصول عبارتند از: تدریجی بودن تربیت، مبتنی بر نیاز بودن (شامل نیازهای فیزیولوژیک و مادی، احساس امنیت، تعلق به جمع، نیاز به پناهگاه و ملجأ، عزت نفس و ارزشمندی، علم، زیبایی و داشتن هدف)، توجه به وضعیت گذشته و حال شخص، تأثیر ظاهر بر باطن، تأثیر مشارکت مخاطب، اصل تفکر و تفقه، اصل اختیار و انگیزش، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، انجام ارزشیابی، نیازسنجی و اصل اولویت بندی نیازها. بنابراین، طبق این اصول می‌توان نتایج ذیل را استخراج کرد:

- تغییر و تقویت اجزای فرهنگ، امری تدریجی بوده و به یکباره صورت نمی‌پذیرد.
- رشد اجزای فرهنگ با رفع نیازهای روحی و جسمی انسان نسبتی مستقیم دارد و بر این اساس، مردم به طور طبیعی به طرف کسانی که نیازهای جسمی و فیزیولوژیک (شامل خوراک، مسکن و پوشاک) را برای آنها تأمین می‌کنند یا تضمین کننده امنیت آنها بوده و موارد ناامنی را از آنها دور می‌کنند، گرایش و تمایل خواهند داشت.
- فرهنگی که مخاطبان خود را عزیز بدارد و به آنها بها بدهد و برای آنها پناهگاه و ملجأ عاطفی باشد و همچنین آنها را دوست داشته باشد و بتواند نیاز به محبوب بودن را در آنها ارضا کند، توجه مخاطبان را به سوی خود جلب خواهد کرد.
- فرهنگی که بتواند یک هویت و جایگاه اجتماعی ایجاد و نیاز تعلق به جمع را در مخاطبان خود تأمین کند، آنها را به طرف خود متمایل خواهد کرد.
- طبق نیازهای دیگر، هر انسانی بر حسب طبیعت خود و در درون خود، نیاز به دانستن و علم دارد و به طرف افرادی که به او علم می‌آموزند و نیز محیط منظم و هدفمند، گرایش دارد. بنابراین متوکلان فرهنگی باید از این ویژگی‌ها نیز برخوردار باشند.
- چون تغییر ابعاد فرهنگی در هر فردی، تغییر ابعاد فعلی اوست که از گذشته و به تدریج شکل گرفته، برای هر گونه تحوّل باید از تک‌تک مخاطبان شناخت حاصل کرد. بر این اساس، تفاوت‌های شخصیتی فرد را نیز باید در نظر گرفت.

#### اصول حاکم بر پرورش فرهنگ اسلامی ❖ ۱۸۵

- اصل بعدی، برانگیختن علاقه و شور و شوق و وجود اصل اختیار و انگیزش در انسانهاست. در صورتی که موضوع مورد نظر برای مخاطب به صورت مسئله درآید و خود او فعال بوده و در فعالیتها مشارکت کند، پرورش اجزای فرهنگ تسهیل خواهد شد.
- نکته بعدی، نقش تلقینی ظاهر بر باطن است. بنابراین، در انتقال هر موضوعی از فرهنگ، از ظواهر محیط نیز می‌توان کمک گرفت.
- شیوه پرورش فرهنگ باید به گونه‌ای باشد که باعث تفکر و تفقه مخاطبان شود.
- با توجه به گستردگی ابعاد و اجزای فرهنگ (اعتقادات، اخلاقیات و رفتارها) در مقوله‌های مختلف علمی، اجتماعی و فردی و محدودیت امکانات و زمان، مقوله نیازسنجی و اولویت‌بندی در ابتدای برنامه‌ریزی فرهنگی و همچنین ارزیابی و نظارت بر میزان دستیابی به این اهداف نیز از ضرورتها و اصول مهم برنامه‌ریزی فرهنگی به شمار می‌رود.
- بنابراین، متولیان فرهنگی در انتقال و پرورش ابعاد فرهنگ اسلامی باید طبق هر یک از اصول ذکر شده برنامه‌ریزی کنند.

## منابع

۱. قرآن مجید؛ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید کاظم ارفع، تهران، فیض کاشانی، چ دوم.
۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸)؛ غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۴. آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)؛ نگره هنر انقلاب اسلامی، تهران، عروج.
۵. امین، سید محسن (۱۳۷۴)؛ سیره معصومان، ج ۵، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران، سروش.
۶. باقری، خسرو (۱۳۸۲)؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
۷. برازش، علیرضا (۱۳۸۳)؛ همه را دوست بداریم، تهران، مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم.
۸. بهشتی، محمد و علی نقی فقیهی و مهدی ابوجعفری (۱۳۸۵)؛ درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۲، تهران، سمت، چ ششم.
۹. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۳)؛ مدیریت فرهنگی، قم، هاجر.
۱۰. حامدمقدم، احمد (۱۳۶۸)؛ پژوهشی در نظام حمایتی اسلام، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
۱۱. حرانی، حسن (۱۳۷۶)؛ تحف العقول، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
۱۲. حسینی، سیدمهدی (۱۳۸۰)؛ مدیریت فعالیتهای فرهنگی، قم، هاجر.
۱۳. حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۵)؛ نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان در بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۷۹)؛ دو جلد، تهران، روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۱۵. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان در بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۰)؛ ج ۶، تهران، روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۱۶. دشتی، محمد (۱۳۷۹)؛ امام علی(ع) و هنر، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین(ع).



۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵)؛ سیر مدیریتی نبوی، تهران، دریا.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم.
۱۹. سیف، علی اکبر (۱۳۸۳)؛ روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، تهران، آگاه، چ دهم.
۲۰. شریعتمداری، علی (۱۳۸۵)؛ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، امیرکبیر.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۵)؛ سنن النبی، ترجمه حامد رحمت کاشانی، تهران، پیام عدالت.
۲۲. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۲)؛ مفاتیح الجنان، ترجمه مصباح زاده، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)؛ اصول کافی، ج ۲، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)؛ اصول کافی، ج ۴، قم، دارالکتب الاسلامیه، چ ششم.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الانوار، ج ۷۲، بیروت، مؤسسه وفا، چ دوم.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)؛ گزیده میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
۲۷. مطهری، مرتضی (بی تا)؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
۲۸. میرباقری، محسن (۱۳۸۶/۱۰/۱۱)؛ «نقش و کارکردهای تعلیم و تربیت»:
29. [www.Tebyan-hamedan.ir/andishe/archives/post441.php](http://www.Tebyan-hamedan.ir/andishe/archives/post441.php)